ادامه از صفحه اول

طرفداران مصدق کجا بودند؟

تا ثابت کند که انگلستان و آمریکا در کودتای ۲۸مرداد نقش داشته و آن کودتا را به‌وجود آورده‌اند. انگلستان در حقیقت از همان ابتدای ملی‌شدن نفت و روی‌کارآمدن دولت مرحوم دکترمصدق در اوایل سال ۱۳۳۰ رسما و علنا معتقد بود تا زمانی‌که دکترمصدق بر سر کار است هیچ مصالحه‌ای درخصوص نفت نمی‌تواند با دولت وی تحقق پیدا کند. برخلاف انگلستان، آمریکایی‌ها اصراری بر کودتا علیه مصدق نداشتند، دست‌کم در سال ۳۰ و بخشی از سال ۳۱، آنان خواهان سرنگونی حکومت دکترمصدق نبودند، در واقع و درست‌تر گفته باشیم در ابتدای ملی‌شدن نفت، آمریکایی‌ها نه‌تنها مخالف ملی‌شدن نفت نبودند بلکه از دولت دکترمصدق جانب‌داری هم می‌کردند. با شروع جنگ سرد و خطر کمونیسم، این تفکر در میان بسیاری از دموکرات‌های آمریکا وجود داشت که یکی از راه‌های جلوگیری از پیشرفت کمونیسم در کشورهایی مثل ایران که شرایط زیادی برای به‌قدرت‌رسیدن رژیم‌های انقلابی کمونیستی در آنها وجود دارد، وجود حکومت‌هایی نظیر دولت دکترمصدق است که کمونیست و چپ‌گرا نیستند، در عین حال از محبوبیت گسترده‌ای هم برخوردارند، این تیپ آمریکایی‌ها به مصدق و دولتش به‌عنوان خاکریزی علیه پیشروی کمونیسم با حمایت اتحاد شوروی در ایران می‌نگریستند. دلیل دوم عدم مخالفت آمریکایی‌ها با ملی‌شدن نفت آن بود که از دید بسیاری از آمریکایی‌ها موافقتنامه نفتی میان ایران و انگلستان، خیلی یک‌جانبه و به‌نفع انگلیسی‌ها بود. همان موقع شرکت‌های نفتی آمریکایی در عربستان، کویت و ونزوئلا قراردادهایی موسوم به ۵۰-۵۰ منعقد کرده بودند، یعنی نیمی از درآمد نفت از آن عربستان بود و نیمی دیگر از آن شرکت‌های آمریکایی، در حالی که مقداری که انگلیسی‌ها به ایران پرداخت می‌کردند بسیار کمتر از ۵۰درصد درآمد نفتی بود که به ۲۰درصد هم نمی‌رسید. بنابراین آمریکایی‌ها با نفس ملی‌شدن مخالفتی نداشتند. بالاخره شاید آمریکایی‌ها خیلی بدشان هم نمی‌آمد که نفت ایران ملی شود و انحصار انگلستان از سر نفت ایران کنار رفته و بالطبع شرکت‌های آمریکایی هم بتوانند وارد بازار نفت ارزشمند ایران شوند. بنابراین آمریکایی‌ها نه مخالفتی با ملی‌شدن داشتند و نه با دولت دکترمصدق، سفیر آمریکا در ایران، در حقیقت هم ملی‌شدن را تایید می‌کرد و هم برای دکترمصدق احترام فراوانی قایل بود و روابط بسیار خوبی با دولت دکترمصدق و شخص وی داشت. اما انگلستان برخلاف آمریکا از همان ابتدا هم با ملی‌شدن مخالف و معتقد بودند که مصدق به شدت از انگلیسی‌ها متنفر بود تا او در مقام نخست‌وزیری باقی می‌ماند، امکان حصول هیچ توافق یا مصالحه‌ای درخصوص نفت و اساسا اما هیچ مساله و مناقشه‌ای میان تهران و لندن وجود نداشت. انگلیسی‌ها البته مذاکره می‌کردند، اما مذاکره‌شان با ما، بیشتر به واسطه فشار و ترغیب از سمت آمریکایی‌ها بود.

اما آن وضعیت به تدریج تغییر یافت و آمریکایی‌ها هم مجاب شدند که نظر انگلیسی‌ها درست‌تر بود و مشکل اصلی شخص دکترمصدق و لجاجت و یک‌دندگی او است که مانع از رسیدن به توافق و حل بحران نفت می‌شود. اما این، همه داستان نبود و آمریکایی‌ها به‌تدریج به این جمع‌بندی می‌رسیدند که دولت دکترمصدق نه‌تنها مانع از خطر به‌قدرت‌رسیدن کمونیست‌ها در ایران نشده بلکه برعکس، در شرایط بحرانی و پرتلاطم سیاسی که از زمان به روی‌کارآمدن دکترمصدق و ملی‌شدن نفت در کشور به وجود آمده بود، وضع کمونیست‌ها یا حزب توده و طرفداران آن بسیار بهتر شده بود. از دید واشنگتن اگر مصدق در نهایت سقوط می‌کرد، یعنی به‌دلیل افزایش مشکلات داخلی توان حاکمیت را از دست می‌داد، این حزب توده و کمونیست‌ها بودند که خلأاحتمالی دکترمصدق و سقوط دولت او را پر می‌کردند و نیروهای طرفدار غرب، دربار و... که از آنان نام بردیم جایگاه چندانی برای نگه‌داشتن قدرت نداشتند؛ بنابراین می‌توان گفت از اواسط سال ۳۱ در حقیقت واشنگتن هم به لندن نزدیک شده بود. مشکل دیگر آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها این بود که شاه به‌دلیل واهمه‌ای که داشت حاضر نبود در کودتا شرکت کند، برعکس شاه، خواهر دوقلویش اشرف، اشتهای سیری‌ناپذیری برای کاربرد خشونت علیه دکترمصدق و سرنگونی وی داشت.

مابقی ماجرا را می‌دانیم و در حقیقت آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در نهایت موفق شدند شاه را ترغیب کنند که حکم عزل دکترمصدق را نوشته و مقدمات کودتا را فراهم کردند، اما درعین‌حال باوجود آنکه همه شواهد و قراین از طراحی کودتا توسط آمریکایی‌ها حکایت می‌کند اما این نکته را هم نمی‌توانیم و نباید نادیده بگیریم که آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها حتی یک‌سرباز هم وارد ایران نکردند و ده‌هاهزار نفر از هم‌میهنان‌مان در حقیقت نقش پیاده‌نظام و نقش سربازان آمریکایی و انگلیسی را بازی کردند. بالاخره یک نکته دیگر را هم ما ایرانیان نباید فراموش کنیم و آن هم شکل وقوع کودتا بود، واقعیت امر آن است که کودتا به این صورت نبود که صبح ایرانیان از خواب بیدار شوند و مشاهده کنند که ارتش، مراکز حساس را گرفته و کودتا شده، خیر، کودتا صرفا از ساعت ۷:۳۰ الی هشت صبح شروع شد و چندصدنفر بیشتر نبودند، چندصدنفر که اغلب نظامیانی بودند که با خانواده‌هایشان لباس سفید پوشیده و بر پشت کامیون‌ها از مناطق جنوب شهر حرکت کرده بودند و به طرف خیابان‌های مرکزی شهر می‌آمدند اما این تصویر تا سه چهار ساعت بعد تغییر کرد، چندصدنفر ساعت ۷:۳۰ صبح تا نزدیک به ۱۲ظهر بالغ بر چندین‌هزارنفر شده بودند و آن هزاران‌نفر بودند که در حقیقت عمل کودتا را انجام دادند. سوالی که ما هیچ‌وقت نخواسته‌ایم ظرف این ۶۳ سالی که از کودتا می‌گذرد، به آن پاسخ دهیم آن است که طرفداران دکترمصدق در فاصله هشت صبح تا ۱۲ظهر که عملا دولت او سقوط کرد، کجا بودند؟

عکس: مهر

آلودگی، سهم ما از اقتصاد آب‌های شمالی است

صفر، سهم ایران از نفت «خزر»

احمد فرهادی
کارشناس اقتصادی

این‌روزها فصل دریاست، صدای موج‌های دریا، مشاهده طلوع و غروب خورشید و آب‌تنی‌کردن در دریا خیلی‌ها را راهی شمال کشور می‌کند، البته در چندسال اخیر هم که سبد سفرهای خارجی برخی از خانوارها به‌دلیل افزایش نرخ ارز تهی شده برای سفر به شمال مزید بر علت است؛ بنابر آمار منتشره تعداد زیادی از هموطنان هرساله یکی از شهرهای شمالی را به‌عنوان مقصد سفر خود انتخاب می‌کنند، به‌عنوان مثال همین تعطیلات چندروزه عید فطر چهارمیلیون مسافر را راهی شهرهای شمالی کرد. گرچه استقبال این میزان مسافر برای هر شهری فرصت مغتنمی است اما بنابر دلایلی این سفرها مشکلاتی را هم برای مسافران و هم برای هموطنان شمالی ایجاد کرده است. اگر از این فرصت که این‌روزها متاسفانه تهدیدی برای بخش شمالی کشور محسوب می‌شود، درگذریم و به موضوع اصلی جلب‌کننده این تعداد مسافر بپردازیم، بحث اقتصاد دریای خزر محور اصلی این یادداشت خواهد بود. دریاچه خزر که گاهی در زمره بزرگ‌ترین دریاچه جهان و گاهی در رده کوچک‌ترین دریای خودکفای کره‌زمین طبقه‌بندی می‌شود، بزرگ‌ترین پهنه آبی محصور در خشکی است. طول آن حدود هزارو۳۰ تا هزارو۲۰۰کیلومتر و عرض آن بین ۱۹۶ تا ۴۳۵ کیلومتر است. سطح دریای خزر ۲۶/۵تا ۲۸متر پایین‌تر از سطح دریاهای آزاد است. مساحت آن ۳۷۱ تا ۳۸۶ هزار کیلومترمربع و حجم آب آن نیز ۷۸هزارو۷۰۰کیلومترمکعب‌است. خط‌ساحلی‌دریای‌خزر حدود ۶/۷۹۷کیلومتر است که بین ایران (۹۹۲کیلومتر) و چهارکشور از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، فدراسیون روسیه (یک‌هزارو۴۶۰کیلومتر)، قزاقستان (دوهزارو۳۲۰کیلومتر)، ترکمنستان (یک‌هزارو۲۰۰کیلومتر) و آذربایجان (۸۲۵کیلومتر) تقسیم شده است.

شیلات

دریای خزر به تنهایی ۹۳درصد از ذخیره خاویار و ماهیان خاویاری جهان را در خود جای داده است. صید ماهی از دریای خزر شاید سنتی‌ترین فعالیت ایران در این دریا باشد. به همین دلیل ایران در این بخش توانسته نقش مهمی در میان پنج‌کشور ساحلی خزر داشته باشد. دریای خزر ۱۲۰گونه ماهی در خود جای داده که ۲۵گونه آن مورد صید تجاری قرار می‌گیرد. شاغلان بخش شیلات ایران در خزر به ۱۳هزارنفر می‌رسند. ماهیان خاویاری شاید پرسودترین گونه دریای خزر هستند که طی سالیان گذشته صید و صادرات خاویار آنها، شرایط نابسامانی را از سر گذرانده است. پیش از فروپاشی شوروی، ایران سالانه ۳۰۰تن خاویار صادر می‌کرد، اما در حال حاضر صادرات خاویار ایران به کمتر از یک‌تن کاهش یافته است. در سال ۲۰۱۰ به‌دلیل به خطر افتادن نسل ماهیان خاویاری، پنج‌کشور حوزه خزر توافق کردند به‌مدت پنج‌سال هیچ صید صادراتی از ماهیان خاویاری نداشته باشند اما این موافقتنامه توسط کشورهای دیگر اجرا نشد تا همچنان این خطر زیست‌محیطی وجود داشته باشد.

نفت و گاز

این دریا از نظر منابع نفت و گاز بسیار غنی است. بخشی از نفت دریاچه که از میدان نفتی باکو پایتخت جمهوری آذربایجان برداشت می‌شود از طریق خط لوله باکو-تفلیس-جیهان به سواحل مدیترانه منتقل می‌شود. پیش‌بینی می‌شود با ادامه فعالیت‌های اکتشافی، به ظرفیت بهره‌برداری نفت این منطقه یک‌میلیاردو۳۰۰هزاربشکه و به ظرفیت برداشت گاز از آن هم ۲۹۳هزارمیلیارد فوت‌مکعب افزوده شود. در سال ۲۰۱۲، آذربایجان روزانه ۸۹۰هزاربشکه، ترکمنستان ۴۶هزاربشکه، روسیه شش‌هزاربشکه و قزاقستان سه‌هزاربشکه نفت در دریای خزر استخراج کردند در حالی که سهم ایران در استخراج نفت صفر بوده است. ایران به‌دلیل اتکا به ذخایر خلیج‌فارس، توجه کمتری به این بخش داشته و همین موضوع عقب‌ماندگی‌هایی را به‌وجود آورده است. این عقب‌ماندگی به‌ویژه در بخش انرژی محسوس است. در شرایطی که کشورهای روسیه و آذربایجان برداشت‌های نفتی مطلوبی از این دریا دارند، ایران به‌تازگی نخستین مشعل نفتی خود را در این دریا روشن کرده است و تا بهره‌برداری نفت همچنان فاصله دارد. ایران از سال ۱۳۴۶ فعالیت خود را برای اکتشاف نفت در دریای خزر آغاز کرده است. سه‌چاه اکتشافی در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ در این دریا حفر شد اما به‌دلیل آنچه اقتصادی‌نبودن پروژه نامیده شد، این عملیات رها شد. سرانجام عملیات ساخت این دستگاه ۹سال طول کشید و پس از آن شرکت حفاری شمال توانست در میدان سردارجنگل چاه‌هایی با عمق ۷۲۰متر حفر کند و در نهایت در سال ۹۱ بعد از ۱۰۴سال از قدمت حفاری در ایران نخستین چاه در دریای خزر به نفت رسید و شعله آن در سطح دریا روشن شد.

کشتیرانی در خزر

صنایع دریانوردی و کشتیرانی به عنوان صنعتی عظیم نقش مهمی در اقتصاد جهانی دارند و فعالیت‌های دریانوردی منبع مهم درآمد بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. اولین خط کشتیرانی ایران در دریای خزر با حضور وزرای راه و ترابری، اقتصاد و دارایی، جهاد سازندگی و برخی مسوولان محلی در دهم مرداد۱۳۶۸ آغاز به کار کرد. این شرکت امروزه بعد از ۲۵سال فرازونشیب، هم‌اکنون ۳۰درصد از بازار حمل‌ونقل در منطقه خزر را با وجود تحریم‌ها در دست خود دارد و همچنین نقش بسیار زیادی در نزدیک‌شدن تجار به بازارهای صادراتی و دسترسی صنایع به مواد اولیه دارد. با شروع به کار این خط، جمهوری اسلامی ایران، مبادی ورودی خود را گسترش داد و با این خط، مسیر صادرات به اروپا در حدود چهارهزارکیلومتر کوتاه شد. همچنین فعال‌شدن این خط، در ترانزیت کالا تاثیر بسزایی بر جای نهاد.

گردشگری دریایی

صنعت گردشگری امروزه بخشی از هزینه‌های اقتصادی هرکشور را تامین می‌کند و سیل علاقه‌مندان به جاذبه‌های طبیعی و انسان‌ساخت نقاط مختلف دنیا دلیلی بر این ادعاست. استان‌های شمالی ایران این موقعیت را دارند که در داخل کشور به مقامی برتر دست یابند و در دنیا نیز به عنوان یکی از مناطق برتر گردشگری معرفی شوند. ظرفیت‌ها و جذابیت‌های ساحلی و دریایی در شمال ثروتی عظیم است که متاسفانه بدون استفاده رها شده است، گردشگری دریایی از جذاب‌ترین سفرهای تفریحی و سیاحتی است که در کشورهای ساحلی و حتی کشورهای بدون دریا طرفداران فراوانی دارد. برخلاف ایران، کشورهایی وجود دارند که با وجود داشتن نوارساحلی محدود توانسته‌اند در جذب توریست و توسعه سفرهای دریایی موفق عمل کنند. بسیاری از کشورها که حتی به اندازه یکی از استان‌های شمالی ایران دارای جاذبه گردشگری نیستند، توانسته‌اند با شناخت موقعیت و ظرفیت‌های ساحلی و دریایی خود در توسعه و گسترش این صنعت به‌خوبی وارد عمل شوند. با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی و جاذبه‌های گردشگری هنوز راهکار مناسبی برای جذب گردشگر و توسعه گردشگری دریایی در کشور اتخاذ نشده است. ایجاد انگیزه، شناسایی جذابیت‌های موجود، افزایش امکانات و سرمایه‌گذاری در این بخش می‌تواند رکود در صنعت گردشگری دریایی را کاهش دهد. به این ترتیب بخش‌هایی از قبیل شرکت‌های کشتیرانی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، دفاتر خدمات مسافرتی جهانگردی باید در این زمینه فعال‌تر عمل کرده و با نگاه نو جذابیت‌های موجود در این بخش را توسعه و گسترش دهند.

آلودگی، سهم ما از خزر

بنا بر گزارش منتشره سالانه ۱۲۲هزارو۳۵۰تن آلودگی نفتی، ۳۰۴تن کادمیوم و ۳۴تن سرب در دریای خزر انباشته می‌شود. آمارهای انستیتو دریای خزر نشان می‌دهد ایران با سهم آلودگی پنج‌میلیون‌تن در سال کمترین آلودگی را برای این دریا دارد، اما کشور آذربایجان سالانه ۲۸۵میلیون‌تن آلودگی، روسیه ۶۷۸میلیون‌تن و قزاقستان ۳۵میلیون‌تن آلودگی در سال وارد این دریای بسته می‌کنند. نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که بیشترین آلودگی نفتی از سوی همسایگان شمالی به دلیل شیب خزر به سمت ایران سرازیر می‌شود. اگر آلودگی خزر همچنان افزایش یابد، اقتصاد خزر به‌شدت لطمه می‌بیند، ماهیان خاویاری منقرض خواهند شد و تاسیسات گردشگری از رونق خواهند افتاد. بنابراین لازم است مسوولان با نگاه اقتصادی خزر را بنگرند و برای توسعه اقتصادی خزر که می‌تواند به توسعه اقتصادی ایران بینجامد، راهکارهای مناسب تعریف کنند.

خبر

بنزین ۳هزارو۵۰۰تومانی در مرز

● **ایسنا:** در راستای جلوگیری از قاچاق بنزین در مرز ایران و عراق، با پیشنهاد شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، قیمت هر لیتر بنزین به سه‌هزارو۵۰۰تومان در مرز پرویزخان کرمانشاه افزایش یافت. در پی بروز درگیری‌های نظامی در عراق و فعالیت گروه تروریستی داعش، تمام راه‌ها به پالایشگاه بیجی، بزرگ‌ترین پالایشگاه عراق، مسدود شد و در نتیجه شمال عراق با کمبود بنزین روبه‌رو شده که این امر موجب اقدام سودجویان ایرانی در راستای قاچاق بنزین به شهر مرزی بیاره شده است. بر این اساس آن‌طور که اواخر تیرماه اعلام شده بود، هرکدام از ۲۰۰ قاچاقچی فعال در این منطقه با ۴۵۰ قاطر بنزین را از ایران به عراق قاچاق می‌کردند و روزانه دست‌کم صددلار درآمد داشتند.

۷/۵ میلیون‌نفر سبد کالا می‌گیرند

● **خانه ملت:** عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با بیان اینکه طبق اعلام مسوولان وزارت کار، اکنون به‌صورت بی‌سروصدا به هفت‌میلیون‌و۵۰۰هزارنفر سبد کالا تعلق می‌گیرد، گفت: دولت باید با تعیین سقف درآمدی برای خانوارها، یارانه پردرآمدها را حذف کند. احمد امیرآبادی‌فراهانی گفت: درخواست ما از دولت، اجرای قانون است. در قانون بودجه سال ۹۳ آمده که دولت سقف درآمدی برای خانوار تعیین و درآمدهای بیشتر از آن را از دریافت یارانه محروم کند. اما متاسفانه دولت تاکنون اقدام قابل‌توجهی را در راستای شناسایی و حذف اقشار مرفه از دریافت یارانه نقدی، انجام نداده است.

انتظار و رکود در بورس تهران عمیق شد

● **ایسنا:** در معاملات دیروز بورس تهران روند نزولی بورس ادامه پیدا کرد و دماسنج بازار سرمایه با ۴۵ واحد افت به کانال ۷۳هزارو۹۰۶ واحد رسید. در معاملات دیروز تالار شیشه‌ای همانند روزهای گذشته، جو بی‌انگیزگی و احتیاط در بورس تهران ادامه پیدا کرد و گل‌گهر، تاپیکو، سرمایه‌گذاری امید، فولاد، توسعه معادن و فلزات و هلدینگ خلیج‌فارس بیشترین تاثیر را در افت بورس گذاشتند. این در حالی است که شرکت‌های نفت‌وگاز پارسیان، بانک ملت و سرمایه‌گذاری خوارزمی معدود شرکت‌هایی بودند که مانع از افت بیشتر بورس شدند.

بحران نقدینگی
پیامد خروج شتابزده بانک‌ها از بنگاه‌داری

عبدالرضا احمدی‌خمینی
کارشناس اقتصادی

به‌تازگی دولت در سیاستی خواستار فروش املاک مازاد بانک‌ها و به‌اصطلاح خروج آنها از بنگاه‌داری شده است. در صورت خروج شتابزده بانک‌ها از بنگاه‌داری و عدم ارایه راهکار مناسب برای تامین حداقل سود سپرده‌ها که بخشی از آن از راه بنگاه‌داری تامین می‌شد، به‌طور قطع منجر به خروج سپرده‌ها از بانک‌ها می‌شود و از آنجایی که اوضاع مسکن، بورس، صنعت و تولید نابسامان است این نقدینگی جذب هیچ‌یک از بخش‌های مولد نمی‌شود و در نهایت با سونامی نقدینگی‌های سرگردان روبه‌رو خواهیم شد. در حال حاضر وضعیت سیستم بانکداری با تضاد روبه‌رو است و برای خارج‌کردن این سیستم از رکود باید به واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی توجه کنیم که به نظر می‌رسد این واقعیت‌ها با آنچه در لایحه «خروج غیرتورمی از رکود» دولت پیش‌بینی شده، متفاوت است. لایحه خروج از رکود دولت یازدهم نباید به سرنوشت سایر طرح‌ها و سیاست‌های دولت نهم و دهم دچار شود. به این معنا که در آن زمان هم کارشناسان و صاحبنظران دلسوز که به‌وضوح آثار و تبعات منفی سیاست‌های اقتصادی دولت را پیش‌بینی می‌کردند بارها اعتراض کرده و نظرات خود را مطرح کردند اما دولت با اطمینان و یقین به سیاست‌های خود مانع از اعمال‌نظر آنها در کنترل وضع موجود شد. بررسی رفتارهای اقتصادی نشان می‌دهد بانک‌ها برای جذب سرمایه‌هایی که به دلیل افزایش تورم از تولید و صنعت رویگردان هستند راهی جز بالابردن سود سپرده ندارند. در این زمان بانک‌ها به‌اجبار باید برای بازپرداخت سودها به بنگاه‌داری رو بیاورند. به عبارت دیگر تورم و عدم ثبات اقتصادی علت مشترک عدم سرمایه‌گذاری در صنعت و تولید و از سوی دیگر دلیل بانک‌ها برای ورود به سیستم بنگاه‌داری و دلالی است. دقیقا حلقه مفقوده همین‌جاست؛ جایی که چرخ‌دنده‌های اقتصاد دچار خردگی می‌شوند و دیگر نمی‌توان متغیرها و شاخص‌ها را مثل یک پازل کنار هم گذاشت و به توسعه امیدوار بود. زمانی که بانک‌ها به‌جای پرداخت تسهیلات و انجام امور مولد در سیستم اقتصادی به سرمایه‌های بلاتکلیف به‌عنوان طعمه نگاه می‌کنند و می‌خواهند با جذب آنها حیات خود را ادامه دهند یعنی سیستم پولی و بانکی کشور دچار بیماری صعب‌العلاج شده است. تیم مشاوران اقتصادی دولت و رییس‌جمهور بر خروج بانک‌ها از سیستم بنگاه‌داری تاکید دارند در حالی که هیچ راهکار عملی و مشخصی برای تحقق آن ارایه نمی‌دهند. سوال اصلی اینجاست که با وضع آشفته اقتصادی چه‌کسانی قرار است صدهزارمیلیاردتومان املاک و دارایی‌های بانک‌ها را خریداری کنند؟ و این اتفاق طی چه زمانی محقق خواهد شد؟ آیا بخش خصوصی توان خرید این املاک را خواهد داشت؟ دولت باید به این سوال پاسخ دهد که سیستم بانکی با توجه به نرخ بالای تورم، چه راهکاری برای جذب سپرده و پرداخت آن به بخش تولید به‌عنوان تسهیلات خواهد داشت؟ در صورت خروج شتابزده بانک‌ها از بنگاه‌داری و عدم ارایه راهکار مناسب برای تامین حداقل سود سپرده‌ها به‌طور قطع مردم پول‌های خود را از بانک‌ها خارج خواهند کرد. در این صورت امکان برهم‌خوردن سایر بازارها نیز وجود دارد. به‌وجودآمدن این وضع برای نظام اقتصادی اگر خطرناک‌تر از استقراض از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی نباشد قطعا به همان اندازه اقتصاد کشور را به چالش می‌کشد. زمانی شاهد بودیم دولت نهم و دهم به اقتصاد نگاهی آماری در بعد محلی و منطقه‌ای داشت. این در حالی است که مشکلات ساختار بیمار اقتصاد ایران با ارایه آمار و محدودکردن آن به زمان یک‌سال و دوسال حل نخواهد شد. با تضعیف جایگاه بخش خصوصی و ورشکستگی یا نیمه‌تعطیلی تولید به‌ناچار دولت برای حرکت نظام اقتصادی مجبور بوده است عدم نقش‌آفرینی بخش خصوصی را جبران کند. این موضوع هزینه‌های گزافی را بر دولت در کوتاه‌مدت و اقتصاد ملی در بلندمدت متحمل کرده است. درصورتی که مجموعه اقدامات دولت برای ثبات اقتصادی قابل تقدیر است و اتفاق‌های خوشی را رقم زده ولی معتقدم لایحه خروج از رکود کامل و جامع نیست و نمی‌تواند با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان خارج از بدنه دولت به توفیق لازم دست یابد.

کترینگ گشنیز

وقت ناهار لـــــــذت ببرید!

قابل توجه شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی (۱۰ نفر به بالا)

برنج ۱۰۰٪ ایرانی با گوشت گوسفندی

با قیمت باورنکردنی!